

## نقد و تحلیل شرح‌های لیلی و مجنون نظامی گنجوی

### خورشید نوروزی

مریی دانشکده آموزش معلمان دانشگاه آزاد اسلامی - واحد شهر ری

### چکیده

بخش عمده‌ای از تحقیقات ادبی دربارهٔ مثنوی لیلی و مجنون نظامی، به شرح ابیات و معنی لغات - چه شرح کامل و چه گزیده - اختصاص دارد. در این مقاله ابتدا به معرفی و نقد ساختاری و محتوایی شرح‌ها پرداخته شده و سپس ریشه‌های اختلاف نظر شارحان، در سه حوزه زیر، با ذکر مثال‌هایی از ابیات لیلی و مجنون، تبیین و تحلیل شده است: الف) واژگان؛ گاه اختلاف نظر شارحان در معانی حقیقی و استعاری واژه‌ها و یا حقیقی یا استعاری بودن واژگان، سبب اختلاف معانی ابیات شده است. ب) عبارت؛ گاه اختلاف نظر در معانی حقیقی یا کنایی عبارت و یا معانی گوناگون کنایی موجب اختلاف معنای ابیات شده است. ج) کل بیت؛ گاهی نیز اختلاف نسخه‌ها، تعقید معنوی، استعداد تأویل‌پذیری ابیات و چگونگی خواندن بیت، سبب بروز معانی گوناگون گردیده است.

**کلیدواژه‌ها:** نظامی گنجوی، لیلی و مجنون، شرح ابیات، نقد و بررسی، مقایسه.

تاریخ دریافت مقاله: 86/2/9

تاریخ پذیرش مقاله: 86/6/10

Email: Norouziyey@yahoo.com

### مقدمه

منظومه لیلی و مجنون، سومین مثنوی از پنج گنج نظامی گنجه‌ای است که شاعر آن را به درخواست خاقان کبیر، ابوالمظفر اخستان بن منوچهر<sup>1</sup> در سال 584 ه. ق<sup>2</sup> و در بحر هزج مسدس اخرب مقبوض محذوف یا مقصور<sup>3</sup> سروده است. «با آنکه وزن لیلی و مجنون با وزن خسرو و شیرین از یک بحر است، اما با همان اختلاف اندک، وزن خسرو و

شیرین از حرکت و جنبش و بزم و شادی حکایت می‌کند و مژدهٔ وصال به همراه دارد، و وزن لیلی و مجنون حتی در وصف زیبایی‌ها هم غم‌انگیز به نظر می‌آید و از سوز هجران خبر می‌دهد». (ثروتیان 1369: 58)

موضوع مثنوی لیلی و مجنون، شرح سوز و گدازها و ناکامی‌های قیس بنی عامر و لیلی بنت سعد است که نظامی آن را از مآخذ عربی اقتباس کرده است.<sup>4</sup>

با وجود اینکه صحنهٔ وقوع داستان، صحرای بی‌آب و علف عربستان و ماجرای عشق دو دل‌داده نیز ساده و به دور از هیجان و جاذبه بود و فضای حاکم بر داستان نیز اندوهبار می‌نمود، نظامی با شگرد توصیف‌های تأثیرگذار و زیبا، شیوه‌های بیانی دل‌انگیز، فضاسازی و صحنه‌پردازی استادانه و با یاری طلییدن از قریحهٔ خلاق و نبوغ ذاتی خویش در خلق وقایع جدید، نه تنها تنگی میدان سخن را فراخی داد و از ملال‌انگیزی دور کرد، بلکه به حدی بر شهرت و جذابیت داستان افزود که شاعران بسیاری را به نظیره‌گویی واداشت و به عارفان منظومه‌سرا نیز در تصریح و تعلیم مفاهیم عرفانی یاری داد.

مثنوی لیلی و مجنون از جنبه‌های گوناگونی چون سابقه داستان، افسانه یا واقعی بودن؛ محدوده تاریخی؛ مآخذ نظامی؛ مقایسه با سایر آثار ادبی و نظیره‌های آن، بررسی و پژوهش شده است،<sup>5</sup> اما بخش عمده‌ای از تحقیقات ادبی درباره لیلی و مجنون به شرح ابیات و معنی لغات اختصاص دارد.

نخستین بار حسن وحید دستگردی به سال 1313 ه. ش و پس از او بهروز ثروتیان در سال 1365 ه. ق، بسیاری از دشواری‌های لغوی و اصطلاحی این منظومه را توضیح دادند. سپس برات زنجانی در سال 1374 ه. ش مشکلات وازگانی منظومه را به ترتیب حروف الفبا، شرح و توضیح داد. جلال متینی در سال 1341 ه. ق، کاوه گوهرین در سال 1361 ه. ق، و عبدالحمید آیتی در سال 1370 ه. ق نیز گزیده‌هایی از این مثنوی ترتیب داده‌اند که در این مقاله، به نقد ساختاری و محتوایی آنها و تحلیل ریشه‌های اختلاف معانی شارحان توجه می‌شود.

ابیات موجود در مقاله حاضر، از نسخه وحید دستگردی نقل شده است و اگر در مقابل بیتی تنها شماره ذکر شده باشد، نشان دهنده شمارهٔ صفحه از نسخه وحید دستگردی است.

علامت‌های اختصاری این مقاله عبارتند از:

و: حسن وحید دستگردی، ث: بهروز ثروتیان، ز: برات زنجانی، م: جلال متینی، گ: کاوه گوهرین، ع: مجتبی عشقپور، آ: عبدالمحمد آیتی، ج: عزیزالله جوینی، ح: کامل احمدنژاد در ترجمه کتاب لیلی و مجنون؛ پژوهشی در ریشه‌های تاریخی و اجتماعی داستان از ا.ا. کراچکوفسکی.

به طور مثال (و 12) یعنی: شرح وحید، صفحه 12 و (ث 432 - ز 332) یعنی: بهروز ثروتیان، صفحه 432 و برات زنجانی، صفحه 332.

## الف) نقد ساختاری

### 1- معرفی اثر در مقدمه

وحید دستگردی و ثروتیان در مقدمه اثر خود، توضیحی دربارهٔ مثنوی لیلی و مجنون ارائه نداده‌اند. در حالی که زنجانی در پانزده صفحه، به نکات مفیدی دربارهٔ این مثنوی اشاره کرده است. در مقدمه گزیده‌ها نیز متینی در سه صفحه، گوهرین در چهار صفحه و آیتی در یازده صفحه به زندگی نظامی و مثنوی لیلی و مجنون پرداخته‌اند.

### 2- نسخه بدلها

وحید دستگردی در متن تصحیح شده خویش به اختلاف نسخه‌ها در جایی اشاره نکرده است، اما ثروتیان در پاورقی تمام صفحات، اختلاف نسخه‌ها را با علامت اختصاری نشان داده است. به عنوان مثال پ: نسخه خطی مورخ 767 ه. ق. و زنجانی، فهرست اختلاف نسخه‌ها را با شماره بیت در پایان کتاب آورده و برای آنها علامت اختصاری در نظر گرفته است. به عنوان نمونه: شماره 1، نسخه مورخ 718 ه. ق. شارحان گزیده‌ها به تصحیح متن پرداخته‌اند، اما نام نسخه استفاده شده را ذکر کرده‌اند؛ متینی از نسخه وحید، گوهرین از نسخه چاپ باکو به کوشش اژدر علی اوغلی و آیتی از نسخه وحید و ثروتیان استفاده کرده‌اند.

### 3- تعداد ابیات

تعداد ابیات موجود در شرح وحید، 3633 بیت (به علاوه 1051 بیت الحاقی)؛ در شرح ثروتیان، 4552 بیت و در متن تصحیح شده زنجانی، 4583 بیت است. لازم به یادآوری است که ثروتیان و زنجانی، ابیات الحاقی وحید را در متن به عنوان ابیات اصلی آورده‌اند. تعداد ابیات گزیدهٔ متینی، 1522 بیت؛ گوهرین، 1218 بیت و آیتی، 1845 بیت است.

### 4- استشهاد

#### الف) استشهاد قرآنی

در صد بیت اول، وحید به دو آیه (بدون ذکر شمارهٔ سوره و آیه)، ثروتیان و گوهرین نیز به دو آیه و آیتی به یک آیه (با ذکر شمارهٔ سوره و آیه) اشاره کرده‌اند. زنجانی و متینی هم هیچ آیه‌ای را به عنوان شاهد مثال نیآورده‌اند.

## ب) استشهاد شعری

در گزیده آیتی شاهد شعری در صد بیت اول، به پنج بیت و در شرح ثروتیان به سه بیت می‌رسد. در شرح وحید، زنجانی، متینی و گوهرین، بیتی از شاعران به عنوان شاهد مثال آورده نشده است.

## 5- شیوه شرح

شرح وحید و ثروتیان بر معنی و شرح ابیات استوار است، اما شیوه زنجانی در شرح این مثنوی، کاستی‌هایی دارد که به آن اشاره می‌شود:

- همت زنجانی در شرح مثنوی لیلی و مجنون - برخلاف سایر شرح‌هایی که از خمسه نظامی ارائه داده است - بر معنی واژگان و ترکیبات معطوف است. از آنجا که لیلی و مجنون اثری است غنایی و سرشار از صور خیال و مقوله‌های بیانی و تصویرهای شاعرانه، معنی واژگان به تنهایی در رفع مشکلات ابیات کافی نیست.
  - شیوه معنی واژگان، براساس ترتیب حروف الفبایی است نه شماره ابیات. این امر در یافتن معنی واژه‌ها مشکلی ایجاد نمی‌کند، اما درباره ترکیبات و عبارت‌های فعلی، خواننده را در گرداب معانی واژگان سرگردان می‌سازد تا حدی که ممکن است مخاطب با وجود ترکیب، اصطلاح یا کنایه‌ای خاص، از یافتن آن عاجز باشد و یا حتی وجود آن را در فهرست معانی لغات، محتمل نداند.<sup>6</sup>
  - در متن ابیات و اشعار، هیچ علامت و نشانه‌ای مبنی بر توضیح واژه یا اصطلاح خاص در پایان کتاب وجود ندارد. بنابراین مخاطب در مراجعه به فهرست معانی واژه‌ها تردید می‌کند.
  - اکتفا بر معنی واژه‌ها، جنبه تحلیل و تفسیر را در شرح زنجانی از بین برده و ابیات موقوف‌المعانی، تلمیحات و اشارت لازم برای درک معنی ابیات، از دایره این پژوهش بیرون افتاده است.
- در گزیده‌ها نیز متینی و گوهرین بیشتر به معنی واژه‌ها پرداخته‌اند و اساس گزیده آیتی هم به یک اندازه بر معنی واژگان و بیت استوار است.

## ب) نقد و تحلیل محتوایی شرح‌ها

1) گاه وحید، در معنی واژه یا معانی اصطلاحی دچار اشتباه شده است.

پروین ز حریر زرد و ارزق بر سنجق زر کشیده بیرق (173)

سنجق: عَلم (و) / واژه‌ای ترکی به معنای میله علم (ث 524)

معنی مصرع دوم: بیرق (علم) بر میله طلایی کشیده شده بود. (ث)

پالوده راوق ربیعی خاک قدم تو از مطیعی (36)

مصرع اول<sup>7</sup>: کنایه از گل‌ها و شکوفه‌ها (و) کنایه از باران بهاری (ث 406)  
در این مصرع، «راوق ربیعی» استعاره از ابر بهاری و پالوده آن، باران بهاری است و نظر دوم صحیح‌تر به نظر می‌آید.

\*\*\*

2) گاه معنی وحید، مبهم و معنی دیگران بهتر است.  
بر سبزه ز سایه نخل بندد بر صورت سرو و گل بخندد (98)  
مصرع اول: می‌خواست از فیض سایه خود، هر سبزه‌ای را به خرما‌ی شیرین آبستن کند. (و)  
از سایه خود بر سبزه نخل می‌بست و شکل آن در چمن ظاهر می‌شد. (ث 474-آ 229 – 355)  
نخل بستن در معنی «به خرما‌ی شیرین آبستن کردن»، دور از ذهن و توجیه‌ناپذیر است و بهتر است طبق نظر دوم، نخل، مشبه‌به برای سایه قامت به حساب آید.

\*\*\*

3) گاه معنای وحید با ساختار دستوری بیت، هم‌خوانی ندارد:  
چون خنجر جزع‌گون برآرد لعل از دل سنگ خون برآرد (34)  
خنجر وی، لعل را در دل سنگ، تبدیل به خون می‌کند و بیرون می‌آورد (و) / با دیدن خنجرش، لعل از دل سنگ خون بالا می‌آورد.<sup>8</sup> (ث 399)  
«لعل»، در بیت، نقش فاعل دارد، اما وحید نقش آن را مفعولی دانسته است.

\*\*\*

4) گاهی وحید بر پایه باورهای عامیانه، به شرح و توضیح ابیات پرداخته است:  
بستم سخنش، به آب دادم یکبارگیش جواب دادم (136)  
به افسون، زبان او را بسته و زبان بند را در آب افکندم. (و)  
سخنانش را چون علفی بستم و به آب دادم و خواسته‌اش را رد کردم. (ث 495)  
ثروتیان، مصرع اول را استعاره مکنیه از نوع غیرتشخیص دانسته است.

\*\*\*

5) گاه معنی وحید بهتر از معنی دیگران است:  
شیرین سخنی که چون سخن گفت بر لفظ چو آبش، آب می‌خفت (182)  
آب برای شنیدن سخنش از حرکت باز می‌ماند. (و) / آب از رشک منجمد می‌شد. (ث 538)  
به نظر می‌رسد آب از رشک به جوش آید نه آنکه منجمد شود، بنابراین معنی وحید صحیح‌تر است.

\*\*\*

(6) گاه ثروتیان در معنی دچار اشتباه شده است:

زان عاشق کورتر کسی نیست کو را مگسی چو کرکسی نیست (196)

عاشقی که مگسِ نشسته بر صورت معشوق را کرکسی نبیند، کورترین است. (و)

عاشق نابینا تر است زیرا مگسی که بر شهِدِ معشوق نشیند، کرکس می‌بیند.

(ث 545)

بیت باید به صورتِ شرطی خوانده شود و درست نخواندن آن، سبب شده که معنی ثروتیان درست خلاف نظر

شاعر باشد.

\*\*\*

(7) گاه ثروتیان با آوردن بیتی از نظامی به عنوان شاهد، معنی قانع‌کننده‌تری ارائه داده است:

القصه چه گویم؟ آنچنان چست کز دیده برآمد، از نفس رُست (183)

همچون نور از دیده بیرون می‌آمد و مانند زندگانی از نفس برمی‌رست. (و)

گویی از زمین چشم روییده بود و با آب و هوای نفس پرورش یافته بود.

(ث 538)

ثروتیان با استناد به این بیت از مخزن‌الاسرار به معنی بیت بالا پرداخته است:

گفتی از آنجا که نظر جسته بود از نظر شاه برون جسته بود

(8) برخی اشارات ثروتیان مبنی بر اطلاعات بومی است و در روشن شدن ابهام بیت، کارساز است:

سیاره به دستبند خوبی بر نطع افق به پایکوبی (172)

دستبند: زینتی که به دست می‌کنند، دست آورنجن<sup>9</sup> (و - ز 332).

نام رقص دسته‌جمعی در آذربایجان (ث 521 - آ 258).

\*\*\*

(9) گاه شارحان با وجود درستی کلام وحید، به آن توجه نکرده‌اند:

ز آن صرفه که یافتیش بی‌صرف در دفتر ما نویس یک حرف (16)

مصرع اول: علم لدنی (و) / ذکر و معرفت (ث 382) / اشاره به امی بودن رسول اکرم (ز 349).

اشاره به ویژگی «بی صرف یافتن» در مصرع اول بیشتر تداعی گر علم لدنی و حضوری است و از آنجا که ذکر و

معرفت، در ردیف علم حصولی قرار می‌گیرد، اشاره به امی بودن رسول، ابهام موجود در «بی صرف یافتن» را برطرف

نمی‌کند، بنابراین معنی وحید بهتر از دیگران است.

\*\*\*

10) گاه دربارهٔ ابیات یکسان، اشارات شارحان متفاوت است.  
چون لاله دهن به شیر می‌شست چون برگ سمن به شیر می‌رست (59)  
اشاره به آنکه لاله اگر از بوته چیده شود، شیر وی آشکار می‌شود. (و)  
اشاره به آنکه برگ سمن، دارای شیرۀ نباتی سفید است و با آن پرورده می‌شود. (ث 436)  
اشاره وحید دور از ذهن و واقعیت است و معنی مصرع اول چنین به نظر می‌رسد: دهان چون لاله سرخ را با شیر می‌شست.

\*\*\*

11) در پاره‌ای ابیات، تشخیص معانی درست از نادرست، بسیار مشکل است:  
هر زن که به دست زور خواهند نان خشک و عصیده شور خواهند (120)  
زن به زور گرفته شده، مانند نان خشک و حلوای شور است و از آن تمتعی نمی‌توان برد. (و)  
زن به زور گرفته شده، هرگز به کارخانه نمی‌رسد و همه کارها را به هم می‌ریزد. نانش خشک و حلوایش شور خواهد شد. (ث 486)

\*\*\*

12) معنی برخی ابیات با وجود شرح و توضیح شارحان، همچنان مبهم است:  
چون لنگر بیت خویشان لنگ معیش فراخ و قافیت تنگ (84)  
مانند مهمانخانه بیت شعر خود که در خوبی طاق و لنگ (یکتا) بود، مجنون هم تنها مانده بود و با معنی فراخی که از عشق داشت، هیچ کس در قفا و همراه او نبود.<sup>10</sup> (و)  
مانند انسجام (لنگر) بیت (کشتی) شعر (دریا) خود لنگ بود، معانی بسیار داشت، اما در تنگی قافیه افتاده بود. (ث 456)

\*\*\*

13) گاه توجه نکردن به سیر حوادث داستان، موجب دریافت معنی نادرست شده است.  
بی عذر همی دوید عذرا در موکب وحشیان صحرا (103)  
وحید، عذرا را به معنی «بکر» و ثروتیان آن را به معنی آشکارا آورده است.  
(و - ث 477)  
با توجه به اینکه بیت دربارهٔ مجنون است، عذرا به معنی بکر، در توصیف مجنون نادرست است و معنی ثروتیان بهتر می‌نماید.

ای زخمگه ملامت من! هم‌قافله قیمت من! (178)

مصرع اول: ای که تیر ملامت مرا نشانه شده‌ای! (و) / ای کسی که به خاطر تو مرا ملامت می‌کنند. (ث 450) / ای که مورد سرزنش هستی (ز 339).

با نگاه به ابیات پیشین و پسین و باتوجه به مفاد مهرآمیز نامه لیلی - که سراسر نوازش و محبت است - معنی وحید و ثروتیان نادرست به نظر می‌آید. در معنی زنجانی نیز جایگاه واژه «من» در مصرع اول معلوم نشده است. بنابراین به نظر می‌رسد معنی صحیح مصرع اول چنین باشد: ای کسی که به خاطر من دیگران ملامت می‌کنند!

## ج) ریشه‌های اختلاف نظر شارحان در معنای ابیات

### 1- اختلاف نظر در ساده یا مرکب بودن واژگان

نام و نسبت به خردسالی است نسل از شجر بزرگ خالی است (46)

خالی: واژه بسیط به معنی تهی

در کودکی، نام و نسبت لازم است، اما اگر بزرگ شدی، نسب فایده‌ای ندارد. (و - ز مقدمه اقبال‌نامه، 5)

خالی: واژه بسیط خال به معنی دایی + یاء نکره

در خردسالی، نام و نسب داری و نسل تو از شجر دایی بزرگ است. (ث 423)

با توجه به مصرع دوم که تمثیلی برای مصرع اول به شمار می‌آید، معنی گروه اول صحیح‌تر به نظر می‌رسد. به عبارت دیگر معنی بیت چنین است: همان‌گونه که درختان بزرگ به واسطه میوه‌هایشان شناخته می‌شوند و نهال کوچکشان چندان گویای نامشان نیست و باید نامشان را بیان کرد، انسان‌ها نیز چنین هستند، در خردسالی محتاج نام و نسب هستند، اما در بزرگسالی نیاز به نام و نسب ندارند و اعمال و آثارشان گویای نامشان خواهد بود.

گل در قصبی و لاله در خز شیرین و رزین چو شیره رز (149)

رزین: واژه بسیط به معنی گران‌مایه (و)

واژه مرکب (رز+ین) به معنی انگوری، دارای طعم انگور (ث 502).

برای جلوگیری از حشو در معنای بیت، بهتر است طبق نظر وحید، رزین به معنی گران‌مایه و رز به معنی انگور به کار برده شود.

### 2- اختلاف نظر در معانی حقیقی واژگان

ای سید بارگاه کونین نسابه شهر «قاب قوسین» (9)

نسابه: نسب‌شناس (و - گ 13)

کسی که قبلاً جایی رفته و همه او را می‌شناسند. (ث 377)

پایین طلب خسان چه باشی دست خوش ناکسان چه باشی (53)



دست خوش: غنیمت (و) / زبون و مغلوب (ث 432 - ز 332)

دستخوش در معنی زبون، با معنی کل بیت هماهنگ‌تر و معنی گروه دوم صحیح‌تر به نظر می‌رسد.

از کوهه غم شکوه بگرفت چون کوهه‌گرفته، کوه بگرفت (135)

کوهه گرفته<sup>11</sup>: جن زده (و - م 51) / ابر یا دریای موج گرفته (ث 494).

از آنجا که در این بیت، کوهه‌گرفته، صفت مجنون به شمار می‌آید و باتوجه به نام مجنون، معنی اول مناسب‌تر به نظر می‌رسد.

### 3- اختلاف نظر در حقیقی یا استعاری بودن واژگان

می‌کوشم و در تنم توان نیست کآزرم تو هست، باک از آن نیست (4)

آزرم: توانایی (و) / عدل و داد که در معنی نهفته شرمندگی هم هست. (ث 372) / یاری و تأیید (ز 305)

کردند نبردی آنچنان سخت کز اژه تیغ تخته شه تخت (117)

تخت: در معنی حقیقی (و - ث 484) / در معنی استعاری «اسب» (ث)

به دلیل اینکه استفاده «تخت» در معنی استعاری «اسب» سابقه نداشته است، تخت در معنی حقیقی بهتر و صحیح‌تر به نظر می‌رسد.

### 4- اختلاف نظر در معانی استعاری

در جدول این خط قیاسی می‌کوش به خویش‌شناسی (46)

خط قیاسی: هیکل کج و معوج انسانی (و) / علم و خط مقایسه اندازه اشیا نسبت به هم (ث 425) / فلک (ز 321).

باتوجه به وجود واژه «این» که خط قیاسی را معرفی کرده است، همچنین محدوده خویش‌شناسی که پیکر و روان انسان است، معنای نخست بهتر به نظر می‌آید.

کاین هفت خدنگ چاریخی وین نه سپر هزار میخی (235)

هفت خدنگ: هفت قسمت زمین (و) / هفت سیاره (ث 569 - ز 369)

از آنجا که مصرع دوم درباره فلک است، مصرع اول درباره زمین منطقی‌تر و زیباتر به نظر می‌رسد و معنی دسته دوم باعث حشو می‌شود.

گاه، اختلاف نظر شارحان در چند واژه است که تفاوت معانی ابیات را بیشتر می‌کند.

تا او شده شهسوار ابرش بگذشت محیط آب از آتش (32)

مصرع دوم<sup>12</sup>: آب (ممدوح) خلاف قاعده عناصر، بالای آتش (اسب) قرار گرفت. (و)

محیط آب (اسب ممدوح) آتش فتنه و بیداد را خاموش کرد. (ث 397)

### 5- اختلاف نظر در مقوله‌های بیانی

نگشاده فقاعی از سلام بر تخته یخ نوشته نامم (194)  
مصرع اول: سلام را مانند شیشه فقاع، برای من سر نگشوده‌ای. (و): در این معنی بر مقوله تشبیه تکیه شده است.  
محبت مرا با سلام گرمی پاسخ نگفته‌ای. (ث 544): در این معنی بر مقوله استعاره تکیه شده است.  
جواب مرا نداده‌ای. (ز 353): در این معنی تکیه بر مقوله کنایی است.

### 6- اختلاف نظر در چگونگی خواندن بیت

گاه کیفیت متفاوت خواندن بیت، سبب اختلاف نظر شارحان در نقش‌های دستوری واژگان می‌شود:  
چون راه دیار دوست بستند بر جوی بریده پل شکستند (69)  
بر جوی، بریده پل شکستند: پل ناقصی که بر جوی فراق بسته شده بود، به کلی شکستند تا مجنون از رفتن به  
کوی یار محروم ماند. (و)  
بر جوی بریده، پل شکستند: بر جویباری که طی کرده شده بود، پل را شکستند و میان آن دو، دوری افتاد.<sup>13</sup> (ث)  
(446)

در خرگه کار خرده‌کاری عیبی است بزرگ، بی‌قراری (87)  
در خرگاه خرسند کاری، این همه بی‌قراری عیبی است. (و)  
تو در کارهای خرد، ریزه‌کاری می‌کنی و نمی‌دانی که بی‌قراری، عیب بزرگی است. (ث 459)  
وحید، «ی» در «خرده‌کاری» را «یای مصدری» و ثروتیان، «ی» را شناسه و به معنی «هستی» به کار برده است.  
به نظر می‌رسد معنی بیت چنین باشد: در خرگاه کارهایی که به دقت و ریزه‌کاری بسیار نیاز دارد (ازدواج با  
دختری که خانواده‌اش مخالف‌اند) بی‌قراری کردن عیب بزرگی است، باید صبور باشی تا به نتیجه مطلوب برسی.  
گفتی که ز خانه ناگزیر است این نرد نه نرد خانه گیر است (205)  
این نرد نه نرد، خانه‌گیر است: در تخته نرد وجودم از هجوم عشق، جای خانه باقی نمانده است. (و)  
این نرد نه نرد خانه‌گیر است: این بازی در من نمی‌گیرد و نمی‌تواند مرا به قفس خانه اندازد.<sup>14</sup> (ث 550)

## 7- اختلاف نسخه‌ها

گاه اختلاف نظر شارحان در معانی ابیات، ریشه در شیوه تصحیح ابیات و گزینش برخی واژگان از میان نسخه‌ها دارد.

پیرامن هر چه ناپدید است	جدول‌کش، خود خطی کشیده است (و 17)
پیرامن هر چه آن پدیدست	مندل‌کش خون خطی کشیده است (ث 43)
پیرامن هر چه آن پدیدست	منزلگهش چون خطی کشیدست <sup>15</sup> (ز 266)

پیرامون غیر مادیات، جدول‌کش ازلی، خطی کشیده و اندیشه بدان راه ندارد. (و)  
آفریدگار، هر چیزی که می‌بینی، خطی کشیده، همچنان که در رگ‌های جانداران برای خون خط و دایره ای کشیده است. (ث)

## 8- اختلاف نظر در حقیقی یا کنایی بودن عبارت

ور یک جو سنگ تاب گیرد خرسنگ در آفتاب گیرد (55)  
معنی حقیقی: اگر اندکی گرما به او رسد، سنگ‌های بزرگ را به سوی خورشید پرتاب می‌کند. (و)  
معنی حقیقی: اگر اندکی گرما به او رسد، با سنگی بزرگ جلوی آفتاب را می‌گیرد. (ث 433)  
معنی کنایی: اگر اندکی گرما به او رسد، به شدت آفتاب را ملامت می‌کند.  
(ز 327)

در نظر گرفتن معنی کنایی برای این بیت، آن را ادبی‌تر و زیباتر می‌کند. ضمن آنکه عکس‌العمل ملامت در برابر گرما، پذیرفتنی‌تر از سایر موارد است.

آینه درد پیش می‌داشت مونس ز خیال خویش می‌داشت (94)  
آینه درد: آینه‌ای است که در قدیم برای امتحان زنده بودن بیمار، رو به روی دهانش می‌گرفتند. (و)  
آینه درد پیش می‌داشت: مصیبت‌های زندگی را در پیش چشم داشت. (ث 469)  
به دردهایش می‌اندیشید. (ک 354)  
معنی اول حقیقی و معنی دوم و سوم، کنایی در نظر گرفته شده است.

## 9- اختلاف نظر در معانی کنایی

گاهی شارحان برای یک اصطلاح معانی کنایی متعددی در نظر گرفته‌اند:  
القصة چه گویم؟ آنچنان چست کز دیده برآمد از نفس رست (183)

از دیده برآمد: همچون نور از دیده بیرون می‌آمد. (و)  
گویی از زمین چشم روییده بود. (ث 538)

صاحب هنری حلال‌زاده هم خاسته و هم اوفتاده (199)  
خاسته و اوفتاده<sup>16</sup>: بزرگ و متواضع (و)  
سرد و گرم روزگار کشیده (ث 548)

نی نی غلطم ز خون بجوشی و آنکه به کجا؟ به خون فروشی (191)  
خون بجوشی: عاشقی (و) / خشم (ث 543)  
در فرهنگ و زبان گیلک، «خون بجوشی» به معنی خشم است.

کردند بسی سپید سیمی از ما نشد این سیه گلیمی (105)  
سپید سیمی: نذر و نیاز (و) / تعریف و تمجید (ث 477) / گازی (ز 341 - ک 357) / سیم ناسره را سره و رایج  
کردن (ج 80).

## 10- تعقید معنوی

بر ابلق صبح و ادهم شام حکم تو زد این طویله بام (3)  
فرمان تو بام طویله (محل بستن چهارپایان) گردون را ساخت. (و - ع 39)  
حکم تو رشته دراز یا گردن‌بند (طویله) بامداد را بر شب و روز زده است.  
(ث 371)

حکم تو فلک (طویله بام) را ساخت. (ز 350)

حکم تو، آسمان را طویله دو اسب روز و شب قرار داده است. (گ 11)

من کار تو را به سایه دیده تو سایه ز کار من بریده (77)  
مصلحت کار تو را می‌بینم، ولی تو سایه خود را از من بازگرفته‌ای. (و)

من پایگاه امن و رواج کار تو را دیده‌ام، امکان حمایت‌گری تو را دریافته‌ام، اما تو سایهات را از من دریغ  
کرده‌ای.<sup>17</sup> (ث 450)

## 11- استعداد تأویل پذیری ابیات

گاه ظرفیت تأویل پذیری ابیات، سبب شرح‌های گوناگون شارحان شده است. در این گونه ابیات، تشخیص معنی صحیح‌تر دشوار است.

کیمخت اگر از زمیم کردی باز از زمیم ادیم کردی (7)  
مصرع دوم: دوباره ادیم زمین را سفره‌غذای من قرار دادی (و - ث 371 - ع 40)  
کالبدم را رنگ و رو بخشیدی. (ث 373)  
اشاره به رگشتن انسان خاکی به خاک. (گ 12)

صدیق به صدق پیشوا بود فاروق ز فرق هم جدا بود (11)  
فرق: کلمه جدایی با حق (و) / جدایی حق از باطل. (ث 378)

او دوک دو سر فکنده از چنگ برداشته تیر یکسر آهنگ (94)  
مصرع دوم<sup>18</sup>: تیر عشق یکسر را برداشته بود. (و)  
ساز بر دست گرفته بود و آهنگ عشق می‌نواخت. (ث 469)

## نتیجه‌گیری

در عرصه دشوار شرح ابیات مثنوی لیلی و مجنون، وحید دستگردی و ثروتیان ابهام بسیاری از مشکلات لغوی و معنایی منظومه را برطرف کرده‌اند و زنجانی تنها به توضیح واژگانی بسنده کرده است. گزیده‌ها نیز از شرح ابیات مشکل خودداری کرده‌اند زیرا هدف آنها روایت اصل داستان با حفظ پیوستگی وقایع مهم آن بوده است، بنابراین از آوردن ابیات موجود در مقدمه منظومه نیز چشم‌پوشی کرده‌اند. در این میان گزیده آیتی بیش از سایر گزیده‌ها به معنی واژه‌های مشکل و ابیات مبهم پرداخته است.

اما آنچه سبب اختلاف نظر شارحان در معنی ابیات منظومه شده است، ریشه در عوامل گوناگونی به شرح زیر دارد:

- اختلاف نظر در ساده یا مرکب بودن واژه‌ها
- اختلاف نظر در معانی حقیقی واژه‌ها
- اختلاف نظر در معانی حقیقی یا استعاری بودن واژه‌ها
- اختلاف نظر در معانی استعاری
- اختلاف نظر در مقوله‌های بیانی

- اختلاف نظر در چگونگی خواندن بیت
- اختلاف نسخه‌ها
- اختلاف نظر در حقیقی یا کنایی بودن عبارت
- اختلاف نظر در معانی کنایی
- تعقید معنوی
- استعداد تأویل‌پذیری ابیات

### پی‌نوشت

1- انگیزه شاه سروان در دعوت نظامی به سرودن این قصه یا علاقه شخصی وی به قصه‌های عربی بود (زیرا سروانشاهان از نسل اعراب بنی شیبان بودند) و یا برای ایجاد تعادل احساسات عامه، زیرا لازم بود شاعر بزرگی چون نظامی، پس از احیای رسم مغان به واسطه سرودن خسرو و شیرین به دنیای عرب نیز توجه کند. (زرین‌کوب 1371: 112-115)

2- کارآسته شد به بهترین حال در سلخ رجب به ثی و فی دال  
تاریخ عیان که داشت با خود هشتاد و چهار بعد پانصد (29)

3- مفعول مفاعلهن فعلون یا مفعول مفاعلهن مفاعیل.

4- عشق‌های نامراد و مرگ عاشق و معشوق از درد فراق، ویژگی داستان‌هایی است که اصل عربی دارند، حال آنکه داستان‌های ایرانی‌الاصل، عشق‌های کامیاب است. (ستاری 1366: 16)

5- درباره منابع عربی و فارسی داستان لیلی و مجنون، کتاب رومئو و ژولیت شکسپیر و مقایسه بالیلی و مجنون نظامی از علی‌اصغر حکمت و کتاب لیلی و مجنون؛ پژوهشی در ریشه‌های تاریخی و اجتماعی داستان از کراچکوفسکی، حاوی اطلاعات ارزنده‌ای است. درباره میزان مطابقت این مثنوی با مآخذ عربی، فصل سوم از کتاب تحقیق در مثنوی لیلی و مجنون نظامی از مجتبی عشقپور جامع‌تر از پژوهش‌های دیگر است و درباره نظیره‌های این منظومه، کتابشناسی نظامی گنجوی، از ابوالقاسم رادفر، مطالب مفیدی دارد. در زمینه مقایسه‌ها نیز می‌توان به مقایسه لیلی و مجنون فضولی و نظامی از جلیل تجلیل، سیمای دو عاشق از دیدگاه نظامی از مریم صادقی گیوی و حالات عشق مجنون از جلال ستاری مراجعه کرد.

6- به عنوان مثال: «با پیر در آن خلاص بودند»: در خلاص پیر موافقت داشتند (ز 310). یا: «با جان محنت قدم نسازد»: با آمدن تو، قالب تهی می‌کنم. (ز 310)

7- زنجانی، مصرع اول را به معنی شراب صاف آورده است. (ز 315)

- 8- زنجانی، تنها خنجر جزع‌گون را به معنی خنجر جوهردار و تیز آورده است. (ز 329)
- 9- زنجانی بیت را معنی نکرده و معنای وحید چنین است: سیارات هفت‌گانه، دستبند سعادت را زینت درست کرده و به پای‌کوبی مشغول بودند.
- 10- معنای وحید دور از ذهن و پیچیده به نظر می‌رسد، به ویژه که «قافیت» را به معنی همراه گرفته است. زنجانی نیز تنها به معنی «لنگر بیت» یعنی قافیه اشاره کرده است. (ز 360)
- 11- زنجانی آن را معنی نکرده است. «کوهه گرفته» در معنای اول از برهان قاطع و در معنای دوم از لغت‌نامه دهخدا، استخراج شده است.
- 12- زنجانی تنها به معنی ظاهری اکتفا کرده است؛ آب مابین خاک و هوا قرار گرفت. (ز 361)
- 13- در معنی اول، «بریده» صفت مقدم پل است و در معنی دوم صفت جوی به شمار رفته است.
- 14- در معنی اول، «خانه‌گیر» مسند و در معنی دوم صفت نرد است.
- زنجانی تنها به معنی نرد خانه‌گیر اشاره کرده است: اصطلاحی در بازی نرد و نردی که خانه را می‌برد. (ز 366)
- 15- زنجانی دربارهٔ بیت توضیحی نداده است.
- 16- زنجانی فقط خاسته را به معنی بر پای و بلند گرفته است.
- 17- سایه بریدن: قطع توجه و بی‌عنایتی.
- 18- زنجانی توضیحی نداده است.

## کتابنامه

- آیتی، عبدالمحمد. 1370. گزیده لیلی و مجنون. چ 1. تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- تجلیل، جلیل. 1373. مقایسه لیلی و مجنون فضولی و نظامی. چ 1. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ثروتیان، بهروز. 1369. آینه‌غیب، نظامی گنجه‌ای. چ 1. تهران: کلمه.
- جوینی، عزیزالله. 1375. خلاصه‌خمسه حکیم نظامی گنجوی. چ 3. تهران: دانشگاه تهران.
- حکمت، علی‌اصغر. 1320. رومئو و ژولیت شکسپیر و مقایسه با لیلی و مجنون نظامی. چ 1. تهران: بروخیم.
- رادفر، ابوالقاسم. 1371. کتابشناسی نظامی گنجوی. چ 1. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- زرین‌کوب، عبدالحسین. 1371. پیر گنجه در جست و جوی ناکجاآباد. چ 1. تهران: سخن.
- ستاری، جلال. 1366. حالات عشق مجنون. چ 1. تهران: توس.
- صادقی‌گیوی، مریم. 1381. سیمای دو عاشق. چ 1. تهران: سایه.
- عشقپور، مجتبی، 1361. تحقیق در مثنوی لیلی و مجنون. چ 1. تهران: دهخدا.

- کراچکوفسکی، ا. ا. 1373. لیلی و مجنون؛ پژوهشی در ریشه‌های تاریخی و اجتماعی داستان لیلی و مجنون. ترجمه کامل احمدنژاد. چ 1. تهران: زوار.
- گوهرین، کاوه. 1362. گزیده لیلی و مجنون. چ 2. تهران: امیرکبیر.
- متینی، جلال. 1341. خلاصه لیلی و مجنون نظامی. چ 1. مشهد: باستان.
- نظامی گنجوی. 1365. لیلی و مجنون. به تصحیح بهروز ثروتیان. چ 1. تهران: توس.
- \_\_\_\_\_ . 1374. لیلی و مجنون. به تصحیح برات زنجانی. چ 1. تهران: دانشگاه تهران.
- \_\_\_\_\_ . 1374. لیلی و مجنون. به تصحیح وحید دستگردی. به کوشش سعید حمیدیان. چ 4. تهران: قطره.